



Sheikh Mohammad Hassan Vakili

ارادت شيخ انصاری به آقا سید علی شوشتری قدس سرهما

تاریخ انتشار: سه شنبه ۵ ذی الحجه ۱۴۳۵

هو العالیمر

مرحوم آیه الله العظمی آقا سید علی شوشتری قدس سره سر سلسله اهل توحید در عصر اخیر و صاحب مقامات عالیہ در علم و عرفان بودند که شرح حالشان در همین پایگاه در ذیل نام شریفشان درج شده است. یکی از راههای شناخت دقیق ایشان و ارزش طریقه عرفانی‌شان شناخت شاگردان و مریدان ایشان است. مهمترین مرید ایشان فقیه بزرگ شیعه مرحوم شیخ اعظم انصاری است که شخصیتشان در علم و عمل زبانزد و الگوی همگان است. رابطه مرحوم شیخ و آقا سید علی شوشتری بسیار عجیب و تنگاتنگ بوده و کسانی که از پشت پرده این ارتباط مطلع نبوده‌اند نمی‌دانسته‌اند که این دو بزرگوار رفیقند یا مرید و مراد؛ از سوئی مرحوم سید نیز به جهت مراتب علم و تقوای شیخ احترام شیخ را در ظاهر به کمال حفظ می‌نمودند در حالی که در خلوت شیخ همچون یک شاگرد در نزد مرحوم آقا سید علی زانو می‌زد.

شواهد زیادی وجود دارد که رابطه این دو بزرگوار بیش از رفاقت و محبت شدید بوده و شیخ انصاری مرید، و مرحوم سید که سر سلسله عرفای متأخرند مراد بوده به گونه‌ای که شیخ از جمله شاگردان سلوکی سید محسوب می‌شوند. غرض در این یادداشت اشاره به برخی از این شواهد است.

فهرست

- ۱-۱. سابقه ارادت شیخ انصاری به اهل عرفان
- ۲-۲. ارتباط تنگاتنگ شیخ انصاری و سید شوشتری رضوان الله علیهما
- ۳-۳. تصریح ارباب تراجم به ارادت شیخ انصاری به آقا سید علی شوشتری رضوان الله علیهما
- ۴-۴. حکایاتی شاهد بر ارادت شیخ انصاری به مرحوم سید علی شوشتری قدس سرهما
- ۵- نتیجه‌گیری:

۱. سابقه ارادت شیخ انصاری به اهل عرفان

در تاریخ حکما و عرفای متأخر نقل کرده است:

شیخ مرتضیٰ انصاری رحمه‌الله پس از خاتمه تحصیلات مقدماتی خود در دزفول به قصد اتمام تحصیل عازم عتبات عالیات می‌گردد. قبلاً فکر می‌کند که خود را به آستانه مبارک کاشف [سید صدرالدین کاشف دزفولی از ارادتمندان آقا محمد بیدآبادی] برساند که هم دستور العمل برای اشتغال باطنی بگیرد و هم از پیشگاه مبارک آن جناب همت بخواهد.

به این نیت به درب دولت منزل کاشف می‌رود و در آن موقع هوا کاملاً گرم و سوزان و در عین حال مقارن ظهر است. چون به درب منزل کاشف می‌رسد دقّ الباب می‌نماید. کلفت منزل کاشف به درب منزل آمده از حضور شیخ مستحضر می‌شود، به درون خانه می‌رود و تصادفاً فراموش می‌کند خدمت کاشف عرض کند.

مدّت یک ساعت به طول می‌انجامد، بعد خود سید متوجّه شده به درب خانه تشریف می‌آورد، از خدمت شیخ معذرت‌خواهی می‌کند و بعد دعا می‌کند و می‌فرماید شیخ مرتضیٰ همینطوری که در این آفتاب وقف فرمودید و تحمّل گرما نمودید امید است که خداوند ترا در عالم آفتابی کند ... مرحوم آقا شیخ مرتضیٰ تقاضای ذکر و فکر می‌کند؛ سید می‌فرماید چون به قصد تحصیل عازم نجف هستید ادامه تحصیل خود یک نوع عبادت است. ضمناً اطمینان داشته باشید که وسیله حاج سید علی شوشتری که او از ماست به این فیض نائل خواهی شد.» (تاریخ حکماء و عرفای متأخر، ص ۲۱۱ و ۲۱۲)

۲. ارتباط تنگاتنگ شیخ انصاری و سید شوشتری رضوان الله علیهما

ارتباط مرحوم شیخ و مرحوم سید در نجف آن چنان تنگاتنگ بوده است که عده‌ای از صاحبان تراجم نوشته‌اند که این دو بزرگوار در سفر و حضر هرگز از هم جدا نمی‌شده‌اند.

سید صدر در تکمله أمل الآمل می‌فرماید:

السَّيِّدُ الْأَجَلُّ جَمَالَ السَّالِكِينَ، زَبْدَةُ الْعُلَمَاءِ الرَّبَّانِيِّينَ، السَّيِّدُ عَلِيُّ بْنُ السَّيِّدِ مُحَمَّدِ النَّسْتَرِيِّ وَصِيُّ الشَّيْخِ وَصاحب أسرارهِ وَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يَفَارِقُهُ فِي حَضْرٍ وَ لَا سَفَرٍ مَذْ سَكَنَ النَّجْفِ وَ كَانَ فِي الْجَلَالَةِ وَ الْمَعَارِفِ الرَّبَّانِيَّةِ وَ الْمَنَامَاتِ مَا كَانَ يَظُنُّ أَنَّ الشَّيْخَ مِنْ مَرَدَّتِهِ [جمع مرید] وَ الْمُنْقَطِعِينَ إِلَيْهِ فِي السَّرِّ. (تکمله أمل الآمل، ج ۶، ص ۴۵)

«سید اجلّ جمال سالکان، سرآمد علماء ربّانی، سید علی فرزند سید محمد شوشتری وصی شیخ انصاری و صاحب اسرار اوست، او کسی است که از زمان سکونت در نجف در حضر و سفر از جناب سید جدا نمی‌شد، و در جلالت و معارف ربّانی و منامات آنچنان بود که گمان می‌رود شیخ از مریدان او بوده و در سرّ و باطن تنها با او معاشر بوده است.»

و در تکمله نجوم السماء گوید:

آقا سید علی شوشتری نجفی از احفاد سید نعمت‌الله جزائری است، وی موافقت و مرافقت سفر و حضر با شیخ انصاری داشت و به وجه ثروت و دولت اکثر اعانت شیخ می‌کرد، به فقه و دقت نظر، معروف و مشتهر می‌باشد، علماء او را مسلم می‌داشتند. (تکملة نجوم السماء ص ۳۳۶)

۳. تصریح ارباب تراجم به ارادت شیخ انصاری به آقا سید علی شوشتری رضوان الله علیهما

بسیاری از ارباب تراجم نیز به ارادت شیخ انصاری به مرحوم سید تصریح نموده‌اند.

مرحوم آیه‌الله حاج شیخ آقا بزرگ طهرانی گوید:

الحاج السید علی بن... المحدث الجزائري، التستری النجفی... العلامة الورع الجلیل المعاصر للشیخ الأنصاری و وصیّه و مراده و صاحب سرّه و المرجع بعده، له فی المعارف المقام الأفضی و فی السلوک المسلك الأسنى و له کرامات ذکر بعضها تلمیذه الحاج الشیخ عبدالرحیم التستری فی رسالة مستقلة كتبها فی احواله و تصانیفه و تاریخ ولادته و وفاته. (الکرام البررة، ج ۳، ص ۹۳)

«حاج سید علی فرزند محدث جزائری شوشتری نجفی، علامه با ورع و جلیل القدر، معاصر شیخ انصاری و وصی و مراد و صاحب سر و مرجع پس از وی بوده است، او را در معارف، مقامی بس عالی و در سلوک مسلکی بلند مرتبه می‌باشد، و برای او کراماتی است که برخی از آنها را شاگردش حاج شیخ عبدالرحیم شوشتری در رساله مستقله‌ای که در بیان احوال و ذکر تصانیف و تاریخ ولادت و وفات او نگاشته، ذکر نموده است.»

محمد حسن خان اعتماد السلطنه که در زمان حاج سید علی بوده است در المآثر و الآثار می‌نویسد:

حاج سید علی شوشتری: عالم عامل و عارف کامل و فقیه فاضل بود، به زهد و ریاضات شرعیّه و مخالفت نفس مشهور است، در جرگه رؤساء مذهب از کسانی معدود می‌گردد که حدیث علو مقامش تا همه جا رسیده، شیخ الطائفه استاد الكل مرتضی انصاری او را بر جمیع اصحاب خویش علماً و عملاً ترجیح می‌داد، بلکه حضرت استاد مذکور را می‌گویند با وی در مقام ارادت بود، بعثت‌ها الله المقام المحمود. (المآثر و الآثار باب دهم ص ۱۴۵) در کتاب زندگانی و شخصیت شیخ انصاری (تالیف یکی از اسباط مرحوم شیخ) در قسمت وصی شیخ آمده است:

وصی شیخ، حاج سید علی بوده که بنا به وصیت، بر جنازه شیخ هم نماز گذاشت؛ نامبرده از عالمای نامور و از فقهای امامیه و از ستارگان فروزان زهد و تقوا که به تمام صفات نیکو متخلق و به جمیع ملکات متصف و دارای نفس قویّه و کرامات ظاهره و یگانه مصاحب و دوست و صاحب سر شیخ بوده است، که بین ایشان چنان مودت و یگانگی و الفت برقرار بوده که آنان را یک روح در دو قالب باید محسوب داشت.

در لؤلؤ الصدف گوید: از جمله سید جلیل‌القدر صاحب کرامات متواتره، حاج سید علی شوشتری و ایشان از زهاد علماء محسوب می‌شدند، شیخ انصاری مرحوم، با آن نهایت زهد و ورع و کرامات، مع ذلك نهایت ارادت

را نسبت به این سید جلیل داشته و چنین می‌دانسته‌اند که آن جناب خدمت امام زمان عجل‌الله‌تعالی فرجه رسیده‌اند و بعضی از حکایت غریب و عجیب از شیخ بزرگوار درباره ایشان نقل کنند.

سید هرروز در جلسه درس شیخ حاضر می‌شد و علم طبابت را هم دارا بوده، جز آنکه به غیر از شیخ کسی را معالجه نمی‌کرد؛ وی پس از فوت شیخ، بر منبر او تدریس نموده و گویند چنان بوده که گویا شیخ درس می‌گوید. (اقتباس از زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۱۶۵ و ۱۶۸)

۴. حکایاتی شاهد بر ارادت شیخ انصاری به مرحوم سید علی شوشتری قدس سرهما

از حکایات ذیل نیز می‌توان ارادت شیخ را به سید رضوان الله علیهما فهمید.

آیه‌الله شبیری زنجانی حفظه الله در جواب این سوال که: فرمودید آقا سید علی مرتبی اخلاق شیخ بوده است؛ لطفاً در این مورد بیشتر توضیح دهید؟ می‌فرماید:

شیخ انصاری در هفته، یک روز برای درس اخلاق و استماع موعظه به درس آقا سید علی شوشتری می‌رفت؛ مرحوم آخوند ملاً علی معصومی همدانی با واسطه از آخوند ملاً حسینقلی همدانی شوندی درجینی نقل می‌کرد که ایشان گفته بود: من متوجه شدم که شیخ انصاری هفته‌ای یک ساعت به منزلی می‌رود، این مسأله توجه مرا جلب کرد و با خودم گفتم که این موضوع نباید بی‌حساب باشد، حتماً نکته‌ای در آن هست؛ آن منزل، منزل سید علی بوده؛ می‌گوید: به بهانه استخاره در زدم، گفتم استخاره می‌خواهم، آقا سید علی فرمود: بگوئید بیاید تو، داخل شدم، دیدم آقا سید علی موعظه می‌کند، شیخ هم مشغول گوش دادن به وعظ اوست؛ جلسه که تمام شد، آقا سید علی بلند شد و شیخ را بدرقه کرد. من خیلی مجذوب آن صحبت‌ها شدم، از آقا سید علی خواستم که اجازه دهد من هم شرکت کنم؛ آقا سید فرمود: آقا رئیس هستند، فرصتی ندارند، وقتشان خیلی محدود است، شما هر وقت بیائید مانعی نیست؛ و نیز می‌فرماید: خدمت آقا سید علی رفتیم دیدم اصحاب خاصی دارد؛ و بدین ترتیب ملاً حسینقلی به آقا سید علی متصل می‌شود. (جرعه‌ای از دریا ج ۱ ص ۱۴۰)

همین داستان به نقل دیگری از مرحوم آیه‌الله حاج ملاحسینقلی رحمه‌الله با این تعابیر آمده است:

روزگاری نیز به نجف اشرف به درس شیخ انصاری می‌نشستم. مگر گاهی دریافتم که شیخ علی الدوام ایام چهارشنبه را به منزل آقا سید علی شوشتری می‌شود از تلامید خویش و روزی بدانجای شدم و یافتن شیخ را نشسته به هیئت تلمیذ و سید را نشسته به هیئت استاد و سید چیزها می‌فرمود.

مگر در دل گذراندم که من نیز علی الدوام بدین حضرت شوم و چون برخاستم سید با من فرمود که اگر خواستی همی آی. و از آن روز بدان حضرت بار یافتن. (تاریخ حکما و عرفای متأخر، ص ۲۰۹)

مرحوم شیخ محمد عراقی که از شاگردان شیخ انصاری است در اواخر کتاب دارالسلام در وصف حاج سید علی شوشتری گوید:

حاج سید علی شوشتری که از اولاد سید نعمت‌الله جزائری و از مجاورین نجف اشرف بوده است، در ورع و زهد و تقوی، سلمان عصر و مقداد دهر خود می‌باشد، با شیخ مرحوم کمال معاشرت و الفت را داشته و بر جنازه آن مرحوم اقامه نماز نمود و بعد از وفات شیخ تا یک سال تقریباً که زنده بود امور خلق به او راجع بود، و اعتکاف مسجد سهله و کوفه را بسیار مواظبت می‌نمود و مردم را در حق او چنان گمان بود که شرفیاب خدمت امام عصر علیه‌السلام می‌بود، و معروف به کرامات بوده است.

صاحب دارالسلام سپس می‌گوید:

و بالجمله میرزا حبیب‌الله رشتی روایت از پسر این سید می‌کند که گفت: در وبائی که در عسرة هفتم از مائة ثلثه بعد از هزار هجری واقع گردید، سید مذکور را در اواسط شب ناخوشی وبا عارض شد و چون حالت او را پریشان دیدم و ضعف پیری و عبادت هم در او زیاده بر آن بود، از خوف آنکه مبادا تا صبح نماند و شیخ از ما مؤاخذه نماید که چرا جهت عیادت به او اطلاع ندادیم، فانوس را از برای اعلام شیخ روشن کردیم، سید چون ملتفت شد، فرمود چه خیال دارید؟ عرض کردیم، اراده داریم شیخ را باخبر کنیم، گفت: حاجت به آن نیست، شیخ حال تشریف می‌آورد، چراغ را خاموش کنید و بنشینید.

چون فانوس را خاموش کرده، نشستیم، لمحهای نگذشته آواز حلقه در بلند شد، سپس سید فرمود که: شیخ است، در را بگشائید؛ چون در را بگشودیم، شیخ را با ملا رحمت‌الله در پشت در دیدیم، شیخ فرمود: حال سید علی چگونه است؟ عرض کردیم حالا که مبتلا شده، خدا رحم کند انشاءالله؛ فرمود: باکی نیست انشاءالله، و داخل گردید.

چون سید را مشووش و مضطرب دید، فرمود: مضطرب مشو، خوب می‌شود انشاءالله؛ سید عرض کرد که از کجا می‌گوئی؟ فرمود که: خواسته‌ام که تو بعد از من بمانی و بر جنازه من نماز کنی؛ عرض کرد که چرا این را خواستی؟ فرمود: حالا که شده؛ پس نشست و قدری سؤال و جواب و مطایبه کردند و شیخ برخاست؛ فردای آن روز شیخ بعد از درس در بالای منبر فرمود: حاج سید علی را می‌گویند ناخوش است، هرکس از طلاب به عیادت او می‌خواهد برود، با من بیاید و از منبر به زیر آمده با جملگی از طلاب به خانه سید رفت؛ روای گوید: چون وارد گردید، مانند کسی که خبر ندارد از سید احوال‌پرسی نمود.

من خواستم عرض کنم: شیخنا شما دیشب تشریف آوردید و از حال سید اطلاع دارید که ناگاه سید را دیدم که انگشت به دندان گزیده و اشاره کرد، دانستم رضایت ندارد، لذا سکوت کردم؛ بعد هم سید عافیت یافت و بر جنازه شیخ نماز کرد اعلی‌الله مقامهما. (دارالسلام در احوالات حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه، ص ۹۴۱؛ شیخ محمود عراقی میثمی، ناشر: نگین، طبع ۱۳۹۰/۱؛ و زندگانی و شخصیت شیخ انصاری ص ۱۲۰، ناشر: کنگره شیخ اعظم انصاری، چاپ اول ۱۳۷۳).

این حکایت نیز در نشان دادن ارادت مرحوم شیخ به آقا سید علی شوشتری بسیار مفید است. مادر شیخ به سال ۱۲۷۹ قمری در نجف اشرف از دنیا رفت و شیخ از فرط علاقه‌ای که به او داشت در مرگ او بسیار متأثر و غمناک شد و گریه کرد (زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۸۰).

ملاً باقر شوشتری شاگرد شیخ می‌گوید:

بعد از غسل و حنوط و کفن کردن، ایشان را برای نماز بر پیکرش به صحن شریف آوردند و صحن شریف از جمعیت مردم برای نماز پُر شده بود.

در این حال شیخ به حاج سید علی فرمود: شما بر مادر نماز بخوانید؛ جناب سید نپذیرفت و فرمود: شما اولی هستید برای نماز بر مادر؛ شیخ انصاری فرمود: لا أرى في الدنيا عملاً أعمله لأُمِّي أفضل من صلواتك عليها؛ «هیچ عملی که بخواهم برای مادر در این دنیا انجام بدهم افضل و بالاتر از نماز خواندن شما بر او سراغ ندارم» سپس جناب سید جلو رفت و بر مادر شیخ نماز خواند. (تذکره ملاً باقر شوشتری، خطی ص ۵۴ و ۵۵)

در همین پایگاه در مقاله شرح حال مرحوم سید تالیف حجة الاسلام و المسلمین شیخ محمدحسین رضائی آمده است:

آیه الله حاج سید محمد تقی حکیم که از نوادگان مرحوم سید می‌باشند در ضمن مطالبی که شفاهاً برای نویسنده مقاله بیان کردند، فرمودند: چون سید در شوشتر مال و املاک داشتند، لذا درآمد آنها را برای ایشان به نجف می‌فرستادند و ایشان از آن پول به بعضی شهریه‌ای می‌دادند و یکی از کسانی که از جناب سید شهریه می‌گرفت، شیخ بوده است؛ و وقتی به ایشان گفتند: شما که خودتان مرجع کلّ هستید، چرا از حاج سید علی شهریه می‌گیرید؟ فرمودند: من این پول را از دست حاج سید علی به جهت تبرک آن می‌گیرم.

نتیجه‌گیری:

از مجموع این قرائن به وضوح روشن می‌شود که مرحوم شیخ انصاری نیز از شاگردان و مریدان عارف بزرگ مرحوم آقا سید شوشتری بوده و از سالکان طریقه عرفانی ایشان محسوب می‌شوند.